

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انتخاب از: داکتر محمد کریم فارغی

۲۷ جون ۲۰۲۲

از غزلیات بیدل دهلوی

غزل شماره ۲۸۲۶



داکتر محمد کریم فارغی

زبان حیرت آئینه

به خاک ریشه توست از هوا چه می جوئی؟
گداز درد طلب، کیمیا چه می جوئی؟
ز رهگذار نفس نقش پا چه می جوئی؟
ز کارگاه فنا بقا چه می جوئی؟
هنوز آب نه ای از حیا چه می جوئی؟
اشاره ای ست کزین تنگنا چه می جوئی؟
ز خود برای ز فکر رسا چه می جوئی؟
که ای جنون زده خود را زما چه می جوئی؟
تو کعبه در بغلی، جا بجا چه می جوئی؟

به عجز کوش ز نشو نما چه می جوئی؟
دل گداخته اکسیر بی نیازی هاست
سراغ قافله عمر سخت نا پیداست
به هر چه طرف کنندت رضا غنیمت دان
محیط شرم به قدر عرق گهر دارد
به دامگاه جسد پرفشانی انفس
هزار سال ره اینجا نیاز یک قدم است
زبان حیرت آئینه این نسا دارد
به ذوق دل نفسی طواف خویش کن بیدل